



نقش اخلاص در پیروزی و گسترش اسلام/ چه زمانی شاخه ایمان سبز نمی شد؟

امام علی(ع) در خطبه پنجاه و ششم نهج البلاغه می فرمایند: خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می ایستادیم و برای خدا مبارزه می کردیم. وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می فرماید: اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی شد و یک شاخه ایمان سبز نمی شد و یک پایه دین بر سر پا نمی ماند.

امام علی(ع) در خطبه پنجاه و ششم نهج البلاغه می فرمایند: خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می ایستادیم و برای خدا مبارزه می کردیم. وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می فرماید: اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی شد و یک پایه دین بر سر پا نمی ماند. امام علی(ع) در خطبه پنجاه و ششم نهج البلاغه در مورد اخلاص خویش و مسلمانان در نبردهای زمان پیامبر(ص) برای پند به اصحابش فرموده است: «#171؛ در رکاب پیامبر(ص) آنچنان مخلصانه می جنگیدیم و برای پیشبرد(حق و عدالت) از هیچ چیز باک نداشتیم که حتی حاضر بودیم پدران و فرزندان و برادران و عموهای خویش را در این راه(اگر برخلاف حق باشند) نابود کنیم. این پیکار بر تسلیم و ایمان ما می افزود و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری در برابر ناراحتیها و جهاد و کوشش پیگیر با دشمن ثابت قدمتر می ساخت، گاهی یک نفر از ما و دیگری از دشمنان ما، همانند دو قهرمان با یکدیگر نبرد می کردند، هر کدام می خواست کار دیگری را تمام کند تا کدام یک جام مرگ را به دیگری بنوشاند، گاهی ما بر دشمن پیروز می شدیم و زمانی دشمن بر ما اما هنگامی که خداوند راستی و اخلاص ما را دید خواری و ذلت را به دشمنان ما نازل کرد و نصرت و پیروزی را به ما عنایت فرمود تا آنجا که اسلام بر زمینها گسترده شد و سرزمین پهناوری برای خویش برگزید. به جانم سوگند اگر ما در مبارزه مثل شما بودیم هرگز پایه ای برای دین برپا نمی شد و شاخه ای از درخت ایمان سبز نمی گردید. به خدا سوگند با این عمل بی رویه خود آنچنان راه افراط را می پوئید که همانند شتری که بی حساب آنرا بدوشند و از پستانش خون بچکد، آینده شومی خواهید داشت.»

توضیحات

این سخن را امام (ع) هنگامی فرمود که «#171؛ عبد الله بن حضرمی» از طرف معاویه به بصره رفته بود تا آنجا را در تحت حکومت معاویه درآورد. «#171؛ ابن حضرمی» پس از ورود به بصره در میان قبیله بنی تمیم فرود آمد و اکثر بصریان با او بیعت کردند امام در این سخن اصحابش را برای بیرون راندن ابن حضرمی تشویق فرمود. از میان اصحاب شخصی بنام «#171؛ اعین بن صبیعه مجاشعی» داوطلب شد و از طرف امام(ع) به بصره اعزام گردید ولی پس از رسیدن به بصره و روبرو شدن با مخالفان عدهای ناشناس به وی در بسترش حمله کردند و بالاخره او را کشتند. فرماندار امام در بصره (زیاد) جریان را به امام گزارش داد و اضافه کرد: اگر «#171؛ جاریة بن قدامه» را برای مبارزه با ابن حضرمی بفرستید بجاست، زیرا او با بصیرت و در میان بستگانش با نفوذ و نسبت به دشمنان امام(ع) جدی است. امام(ع) او را خواست و به بصره فرستاد. جاریة بن قدامه بالاخره ابن حضرمی را در خانه ای محاصره کرد و کارش را تمام ساخت و جریان را به امام(ع) گزارش داد (شرح ابن ابی الحدید، جلد 4، صفحه 34-52) و نیز گفته شده که این سخن را امام (ع) در صفین هنگامی که مردم برای صلح آماده شده بودند فرموده است. (مستدرک و مدارک نهج البلاغه، صفحه 243)

امام علی(ع) کار را فقط برای رضای خدا و بر طبق تکلیف الهی و اسلامی و بدون هیچ انگیزه شخصی و نفسانی و امثال اینها انجام می داد. امیرالمؤمنین(ع) این اخلاص را از دوران کودکی و نوجوانی که اسلام را از پیامبر(ص) قبول کرد و سختیهای آنرا به جان خرید، نشان داد. او برای خدا از آسایش محترمانه یک اشراف زاده قریشی صرف نظر کرد و در طول سیزده سال، مبارزات خود را در کنار پیامبر(ص) ادامه داد، و بعد هم ماجرای خوابیدن آن بزرگوار در جای پیامبر در شبی که رسول اکرم(ص) از مکه به طرف مدینه هجرت کردند. این خوابیدن امیرالمؤمنین(ع) در جای پیامبر(ص)، از جمله کارهایی است که اگر کسی تدبیر کند، در می یابد که بزرگترین فداکاری است که یک انسان می تواند از خود نشان بدهد؛ یعنی به طور قاطع تسلیم مرگ شدن. شب تاریک، دشمن مسلح و خشمگین و آماده در پشت دیوارها و عازم بر قتل پیامبر(ص) که در این بستر باید خوابیده باشد. امیرالمؤمنین(ع) آن شب به پیامبر(ص) عرض کرد که اگر من در جای تو بخواهم، تو به سلامت خواهی جست؟ فرمود: بله! عرض کرد: پس می خوابم.

کسانی مانند آن نویسنده مسیحی که از دین ما خارج هستند و با رؤیت اسلامی و شیعی به امیرالمؤمنین(ع) نگاه نمی کنند، می گویند که این کار امیرالمؤمنین فقط قابل مقایسه با کار سقراط است که برای مصلحت جامعه، به دست خود جام زهر را نوشید؛ یعنی یک فداکاری قطعی. اخلاص، تنها چیزی بود که در آن شب حاکم بود. کسانی که در چنین مواردی به فکر خودشان باشند، در فکر این هستند که از موقعیت استفاده کنند؛ اما او در همین لحظه به فکر نجات جان پیامبر(ص) است.

فقط رضای الهی

در جنگ های پیامبر(ص)، در احد آن وقتی که همه به جز اندکی رفتند و امیرالمؤمنین(ع) از پیامبر(ص) دفاع کرد، در خندق آن وقتی

که همه از مبارزه ی با عمر و بن عبدود سرپیچیدند و آن حضرت مکرر داوطلب شد، در قضیه خیبر، در قضیه آیات برائت، بعد از رحلت پیامبر(ص)، در ماجرای انتخاب جانشین برای پیامبر(ص) در سقیفه، در شورای تشکیل شده بعد از درگذشت خلیفه دوم، در همه این موارد امیرالمؤمنین(ع) فقط و فقط رضای الهی را در نظر گرفت و خالصاً لاه آن چیزی را که به نفع اسلام و مسلمین بود، انتخاب کرد و «خود» را دخالتی نداد. در وقتی که خلافت را قبول کرد، در بیست و پنج سالی که از خلافت دور ماند، در همکاری با خلفا، در کارش برای اسلام در حضورش در میدان جهاد و کار و مبارزه و خدمت به نظام اسلامی در تعلیم مردم، در تربیت و تزکیه انسانهای جامعه و بعد در دوره خلافتش در برخورد با جناحهای مختلف که هر کدام شعاری داشتند و دارای خصوصیتی بودند و در همه موارد دیگر، علی بن ابیطالب، همان علی بن ابیطالبی است که خدا می پسندد و رسول خدا انتخاب می کند و بر می گزیند؛ بنده خالص خدا. این، آن چیزی است که من و شما باید رشحه ای از آن را در عمل و زندگی خود از علی بن ابیطالب(ع) بیاموزیم و عمل کنیم. در آن روز، این باعث پیشرفت اسلام شد و همین است که اگر یک قطره از آن در وجود انسانی باشد، او را به موجودی مفید برای اسلام و مسلمین تبدیل می کند.

درسی از اخلاص حضرت

ما در دوران انقلاب بزرگ اسلامی، آن اخلاص را بالمعاینه در زندگی مردمان مشاهده کردیم و شد آنچه شد. امام بزرگوار ما مظهر این اخلاص بود و کرد آنچه کرد. او دنیا را در مقابل اسلام خاضع و خاشع کرد و دشمنان اسلام را به عقب نشینی وادار نمود. امروز هم آحاد ملت ایران، زن و مرد ملت، اقشار مختلف، مخصوصاً مسئولان - خصوصاً هر چه مسئولیتها بالاتر برود - محتاج همین اخلاص هستیم، تا این بار را به سرمزل برسانیم.

طبق نقل در نهج البلاغه، امیرالمؤمنین فرمود: «و لقد کتا مع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقتل ابائنا و اخواننا و اعمامنا لا یزیدنا ذلک الا ایمانا و تسلیما و مضیاً علی اللقم و صبرا علی مضض الألم: خالصانه و مخلصانه با کسان و نزدیکان خود می ایستادیم و برای خدا مبارزه می کردیم. «فلما رأی الله صدقنا انزل بعدوۃ الکبت و انزل علینا التصر» وقتی در راه خدا با اخلاص و صادقانه عمل کردیم و خدای متعال این را از ما دید، دشمن ما را سرکوب کرد و ما را پیروز نمود. بعد می فرماید: اگر این طور نبود، این کارها انجام نمی شد: - ما قام للذین عمود و لا اخضرّ للایمان عود» یک شاخه ایمان سبز نمی شد و یک پایه دین بر سر پا نمی ماند. به برکت اخلاص و صدق آن مسلمین، این پیشرفت‌ها انجام شد و جامعه اسلامی پدید آمد. تمدن اسلامی و این حرکت عظیم تاریخی امروز هم همان است و ملت ما و مسلمانان در همه عالم و امروز ملت عراق و پیشروان آن ملت و نیز دیگر مردمی که در هر گوشه دنیا بنام اسلام سخن می گویند، باید این درس را از علی بن ابیطالب(ع) فرا بگیرند.*

منبع: شخصیت و سیره معصومین(ع) در نگاه رهبر انقلاب اسلامی (جلد 7)